

## چاره ی کارگران، داشتن اتحاد و هدف است!

گروه کارگری هدف

جمعه نوزدهم مهر ۱۳۸۷



گروه کارگری هدف

دو گروه در جامعه هستند که سرمایه داران و عوامل کارفرما از نزدیک شدن و پیوند آنها در هراسند و به هر قیمت و طریقی سعی در جدا نگاه داشتن آنان دارند. افسارکارگری و سوسیالیست های انقلابی!

می دانید چرا؟ برای آنکه پیوند این دو گروه با هم تشکیل طبقه ای آگاه به منافع و رسالت تاریخی خو را می دهد. یعنی طبقه کارگری که نه تنها می داند دشمن اش در این جامعه کیست و با استثمار او به دنبال چیست؟ بلکه با آشنایی با سوسیالیسم انقلابی و ارتباط با تاریخ

طبقه کارگر جهان خواهد دانست که در صورت اتحاد تا چه حد قدرتمند است و در آینده ی جامعه بشری چه نقشی را بازی می کند. اگر شما یک کارگر هستید و می خواهید بدانید که چگونه می توانید از چنین زندگی نکبت باری رهایی یابید و یا اینکه "نقش و رسالت شما در دوران زندگی تان چیست؟" باید یک سوسیالیست انقلابی بیابید. چرا که پاسخ به سوالات شما نزد او است. و مطمئن باشید که با نشست و برخاست با او هم شما به رسالت تاریخی و چرایی هستی تان پی می برید و هم او کلید درهای بسته به دنیایی بهتر را خواهد یافت. یک سوسیالیست انقلابی معتقد است که طبقه کارگر که صدها سال از ظهورش می گذرد، بدون آنکه لزوماً خودش بداند، آن نیرویی است که در مبارزه علیه نظام سرمایه داری، راه ها و ساختارهای لازم را برای استقرار آزادی و برابری بشری بوجود آورده و همچنان می آورد. او بسیار مشتاق است که این آگاهی و اطلاعات علمی را که در نتیجه ی مطالعات تاریخی و نظری خود بدست آورده، در اختیار کارگرانی که به علت دشواری تأمین زندگی و معیشت، فرصت مطالعه را نداشته اند، قرار دهد. یک کارگر نیز در اتحاد با دیگر کارگران، اگر به تجربه ی چند صد ساله ی مبارزه ی طبقه کارگر آشنا باشد، حتی در دشوارترین شرایط، می تواند راه حلی برای موقعیت خود و هم طبقه ای هایش به دست آورده و مبارزه برای رسیدن به حق خود و ایفای رسالت تاریخی اش بیابد. دقیقاً به همین علت است که سرمایه داران از نزدیکی این دو گروه و ایجاد ارتباط بین ایشان، به هر قیمتی که شده، جلوگیری می کنند. راه های جلوگیری هم متنوع است. از سرکوب و زندان و شلاق گرفته تا فرستادن اشخاص نفوذی به میان جمع های هر دو گروه برای تخریب رابطه و ایجاد شک سوء ظن نسبت به یکدیگر و همچنین آزاد گذاشتن و تشویق سوسیالیست های غیر انقلابی که فقط با گرفتن امتیاز و اعتبار و مقام، تن به نوکری سرمایه داری می دهند و با دروغ و نیرنگ به اشاعه افکار تسلیم طلبانه و نا امید کننده در میان کارگران می پردازند. کارگر از همه جا بی خبری که به اطلاعات واقعی دسترسی نداشته نیز باور می کند که تا دنیا دنیا بوده، وضع به همین صورت بوده است و هیچکس نمی تواند تغییری در اوضاع بدهد و اگر هم مبارزه می کند برای اینست که کارفرما و

سرمایه دار را راضی کند که او را کمتر گرسنه نگاه دارند.

### **حکومت جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه دار هاست!**

اما اگر دست ما کارگران به یک سوسیالیست انقلابی برسد، اولین چیزی که به ما خواهد گفت، اینستکه، از دست کارفرمایان به حکومت رجوع نکنید. چرا که این حکومت متعلق به سرمایه داران است و نقش و وظیفه اش، حفاظت و حراست از منافع کارفرمایان می باشد. می گویند نه! پس به همین آقای رئیس جمهور نگاهی بیاندازید که با شعار "نان در سفره ی مردم" آمد و اعلام داشت که "نظام سرمایه داری مال دزدان و کلاهبرداران بزرگ است"، اما هر جا که صدای کارگران برای گرفتن حقوق و دستمزد های پرداخت نشده در آمده، پلیس و نیروهای ضد شورش را برای زدن و بازداشت و زندانی کردن کارگران معترض فرستاده و با اینکه سال هاست این اعتراضات و سرکوب به همین منوال ادامه پیدا کرده، هیچ اقدامی برای مجبور کردن کارفرمایان، که اغلب خود دولت است، به پرداخت دستمزد و احترام به حقوق باصطلاح قانونی کارگران نکرده است. و یا هنگامیکه کارگران به نهادهای دولت علیه کافرما شکایت می برند، در عوض رسیدگی به شکایت، کارگر شاکی را تحویل پلیس و داروغه می دهند و قاضی هم یا او را مجبور به عذرخواهی و دادن تعهد میکند که دیگر "از این غلط ها" نکند و اگر زیر بار این زورگویی ها نرفت، او را محکوم کرده و به زندان تحویلش می دهد. اما، وقتیکه کارفرمایان شکایتی می کنند، فوراً به شکایت شان رسیدگی می شود و آنچه را که آنها می خواهند دو دستی تقدیم شان می کنند. مثلاً همین چند روز پیش، رئیس جمهور اعلام کرد که می خواهد برای جبران کمبود بودجه، چند درصدی بر مالیات سرمایه داران بیافزاید. اما، همینکه صدای بازاری ها در آمد و درهای حجره هایشان را بستند و یک روز هم در اصفهان راهپیمایی کردند، فوراً همین رئیس جمهوری که مدعی "دزد بودن سرمایه داران" بود، دستپاچه به روزنامه ها می گوید که "غلط کردم" و در مقابل منافع و خواست اربابانش عقب نشینی می کند. این فقط یک نمونه ی بسیار کوچک سرمایه داری بودن این حکومت است که تنها وظیفه اش حمایت از منافع و خواسته های سرمایه داران و کارفرماست.

### **تاریخ انسانها، تاریخ مبارزه ی طبقاتی است!**

دوم چیزی که یک سوسیالیست انقلابی به کارگران می گوید، اینستکه، این قضایا فقط مربوط به ایران و این سال ها نیست. بلکه اگر تاریخ بخوانیم خواهیم دید از زمانی که انسان زندگی آزاد و برابری اولیه ی را طی کرد و توانست با کار خود چیزی بیشتر از نیازش تولید کند و عده ای با زور، این اضافه تولید را به خود اختصاص دادند و ثروتمند و فقیر، حاکم و محکوم و ... بوجود آمد، این مبارزه ی بین محکومان به فقر و زورشنوی با حاکمان زورگو در جریان بوده است. البته به این معنا نیست که تا ابد همینطور خواهد بود. چرا که زمانی بود که همین سرمایه داران هم در مقابل اربابان مالک زمین و سلطنت پادشاهی، جزو محکومین بودند. اما پس از سال ها مبارزه توانستند شرایط زندگی خود و انسان ها را تغییر داده و می بینیم که اینک سوار خر مراد هستند و ما کارگران بخت برگشته را محکوم به فقر و زور شنوی کرده اند. کارگران جهان هم از همان روز اول هستی شان علیه زورگویی ها سرمایه داران و حکومت های آنها به مبارزه پرداخته اند. البته هنوز در هیچ جای دنیا موفق به تغییر نظام سرمایه داری و حکومت نشده اند. سرمایه داران هم نزدیک به ۶۰۰ سال مبارزه کردند تا بالاخره توانستند اربابان و شاهان را بر کنار کرده و خود به

قدرت بنشینند. اما اگر در جهان کشوری را می شناسید که وضع زندگی کارگزارانش بهتر از ماست، بدانید که با مطالعه ی تاریخ آن کشور خواهید یافت که کارگزارانش متحدتر، شدیدتر و آگاه تر از ما علیه سرمایه داران مبارزه کرده اند و ایشان را مجبور به عقب نشینی ساخته اند. و باز هم خواهید دید که هر زمان اتحادشان کمتر گشته و مبارزه شان شدت اولیه را از دست داده، دوباره سرمایه داران تا توانسته اند آنها را وادار به پس دادن دستاوردهای شان کرده اند. همین آمریکا و اروپا را ببینید که همه می دانیم کارگزارانشان از وضع به مراتب بهتری از ما به سر می بردند. اما در چند دهه گذشته از مبارزات آگاهانه خود کاستند و شعارهای دروغین سرمایه دارها و دعوت به سازش سوسیالیست نماهای نوکر سرمایه داری را باور کردند. نتیجه اش را هم می بینید که با سرعت زیاد فاصله خود را با کارگران ایرانی و دیگر کشورها از دست می دهند و تنها در ماه های گذشته تعداد کارگرانی که خانه های خود را از دست داده اند و بی خانمان شده اند به شدت بالا رفته است. و همان دولت هایی که حاضر نبودند به این کارگران کمک مالی کنند تا خانه و کاشانه شان را از دست ندهند، به بانک هایی که به علت دریافت نکردن اصل وام خود در حال ورشکستگی اند، هزاران هزار میلیارد دلار پول می دهند. پس همانطور که می بینید عملکرد نظام و حکومت سرمایه داری در همه جا یکسان است. این میزان اتحاد و مبارزه کارگران است که شرایط زندگی کارگران را بهبود می بخشد و همزمان شرایط را برای ایجاد دنیایی عاری از فقر و زورگویی آماده می سازد.

### **پیروزی کارگران در گروهی آگاهی و وحدت آنهاست!**

و بالاخره این سوسیالیست انقلابی به ما خواهد گفت که اگر ما در گروه هایی کوچک و مورد اعتماد جمع شویم، او نیز با ما به مطالعه خواهد پرداخت و نه تنها آنچه را که از مطالعه ی تاریخ و نظریات دیگران یاد گرفته است به ما یاد خواهد داد و آنچه را که ما از مبارزه خود یاد گرفتیم به او آموزش خواهیم داد، بلکه همچنین در آن جلسات می توانیم مشکلات و مسائل روزمره ی خود را نیز با هم مطالعه کرده و به راه حل هایی برسیم. خواهیم دید که در تجربیات طبقه کارگر جهان برای مشکلات و معضلات ما راه های بسیاری وجود دارد. مثلاً مشکلات مالی اضطراری مان را می توانیم از طریق سازمان دادن "صندوق های محلی و کارخانه ای" کمتر کنیم. و یا از طریق تشکیلات سندیکایی می توانیم با هم حرفه ای های خود در دیگر نقاط ایران و جهان رابطه برقرار کنیم. و همین کار را با تشکیلات اتحادیه ای می توانیم با کارگران دیگر حرفه ها در واحدهای شغلی خود و بصورت محلی و منطقه ای انجام دهیم. همچنان متوجه می شویم که در دیگر کشورها با تشکیل احزاب انقلابی کارگری، کارگران توانسته اند نوعی از حکومت را بوجود آورند که در شکل شورایی از منافع کارگران حراست کرده و با تکیه به خود کارگران و خانواده هایشان نوعی زندگی خودگردانی را سازمان دهند. و بالاخره خواهیم دانست که هدف زندگی خود را باید به استقرار چنین حکومتی اختصاص دهیم تا بتوانیم فرزندان و نواده های خود را از زیر ستم و استثمار سرمایه داری و کار مزدوری رهایی بخشیم.

**گروه کارگری هدف**

**مهرماه ۱۳۸۷**